

بررسی تحلیلی معاملات فضولی و

دعاوی ناشی از آنها

(وضعیت معامله فضولی از حیث بطلان یا عدم نفوذ، موضوع
مستحق للغير در آمدن مبیع، ضمان درک فروشنده، کاهش ارزش پول
و تنزل قدرت خرید آن، تورم و مصادیق ثمن و غرامات) با توجه به:

- ۱- منابع معتبر فقهی، نظرها و فتاوی فقهاء
- ۲- عقاید و اندیشه‌های حقوقدانان (دکترین)
- ۳- رویه قضائی (دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها)
- ۴- نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه

و...

تألیف

مصطفی اصغرزاده بناب

قاضی دادگاه تجدیدنظر و مدرس دانشگاه

اصغرزاده بناب، مصطفی، ۱۳۵۰ -	سرشناسه
بررسی تحلیلی معاملات فضولی و دعاوی ناشی از آن‌ها /.../ تألیف مصطفی اصغرزاده بناب.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: خرسندی، ۱۴۰۰.	مشخصات نشر
۴۸۰ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-114-288-8	شابک
فیفا	وضعیت فهرست‌نویسی
معاملات فضولی	موضوع
عقد فضولی (فقه)	موضوع
معاملات (فقه)	موضوع
۱۴۰۰ ف ۶ الف / ۱۹۰/۱ BP	رده‌بندی کنگره
۲۹۷/۳۷۲	رده بندی دیویی
۳۱۴۲۱۰۳	شماره کتابشناسی ملی



انتشارات خرسندی

دفتر مرکزی: خیابان نلسون ماندلا (جردن)، بالاتر از چهارراه جهان کوچک، پلاک ۶۶، طبقه اول، واحد ۳

تلفن: ۸۸۶۶۵۳۰۷ - ۸۸۶۳۷۶۲

دفتر فروش و توزیع: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان لبافی‌نژاد، نرسیده به خیابان دانشگاه،

پلاک ۱۷۴، واحد زیرزمین تلفن ۵-۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵-۶۶۴۹۰۵۸۴

پست الکترونیک: www.Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: www.Khorsandypub.com

بررسی تحلیلی معاملات فضولی و دعاوی ناشی از آن‌ها

تألیف: مصطفی اصغرزاده بناب

چاپ چهارم: ۱۴۰۰ تیراژ: ۵۰۰ جلد قیمت: ۱,۷۰۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978- 600-114-288-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۲۸۸-۸

۱۸	پیشگفتار
۲۳	انگیزه و هدف از نگارش کتاب
۲۴	تقسیم مطالب

بخش اول - کلیات و مفاهیم

۳۰	فصل اول: مفهوم معامله فضولی و ماهیت فقهی و حقوقی آن
۳۰	طرح بحث
۳۱	مبحث اول - تعریف معامله فضولی و ارکان آن
۳۱	گفتار اول - نمایندگی و اقسام آن
۳۱	الف - نمایندگی قانونی
۳۳	ب - نمایندگی قراردادی
۳۵	گفتار دوم - معنی لغوی و اصطلاحی معامله فضولی
۳۵	مفهوم معامله فضولی
۳۶	گفتار سوم - تعاریف حقوقدانان از معامله فضولی
۳۶	تعریف معامله فضولی
۳۷	طرح ایراد به تعاریف
۳۸	ارکان معامله فضولی
۳۸	تعریف جامع و مانع از معامله فضولی و اقسام آن
۳۸	الف - تعریف معامله فضولی
۴۰	ب - اقسام و مصادیق معامله فضولی
۴۲	مبحث دوم - ماهیت فقهی و حقوقی معامله فضولی و اقدامات فصول
۴۲	گفتار اول - ماهیت فقهی معامله فضولی
۴۳	گفتار دوم - ماهیت حقوقی معامله فضولی
۴۵	گفتار سوم - ماهیت اقدامات معامل فضولی
۴۶	فصل دوم: مقایسه معامله فضولی با عناوین و اصطلاحات حقوقی مشابه

۱ در خصوص دستیابی سریع به جزئیات مباحث و موضوعات از طریق شماره آنها، به «فهرست تحلیلی اعدادی مطالب» مندرج در انتهای مجموعه رجوع نمایند.

- ۴۶.....مبحث اول - معامله فضولی و انتقال مال غیر
- ۴۶.....مفهوم و ماهیت انتقال مال غیر
- ۴۸.....گفتار اول - عناصر تشکیل دهنده انتقال مال غیر
- ۴۸.....الف - عنصر مادی جرم
- ۴۸.....موضوع جرم و مصادیق مال
- ۵۱.....وصف جزائی انتقال مال مشاع
- ۵۴.....ب - عنصر معنوی
- ۵۴.....گفتار دوم - وجوه اشتراک و افتراق معامله فضولی و انتقال مال غیر
- ۵۴.....الف - رابطه معامله فضولی و انتقال مال غیر
- ۵۵.....ب - وجوه افتراق معامله فضولی و انتقال مال غیر
- ۵۹.....مبحث دوم - معامله فضولی و وکالت
- ۵۹.....گفتار اول - ماهیت وکالت
- ۶۰.....گفتار دوم - تفاوت معامل فضولی با وکیل
- ۶۱.....مبحث سوم - معامله فضولی و حق العمل کاری و دتالی
- ۶۱.....گفتار اول - ماهیت حق العمل کاری (کمسیون)
- ۶۲.....گفتار دوم - ماهیت دتالی
- ۶۳.....گفتار سوم - تفاوت معامل فضولی با حق العمل کار و دتال
- ۶۴.....مبحث چهارم - معامله فضولی و تعهد به نفع ثالث
- ۶۴.....گفتار اول - ماهیت تعهد به نفع ثالث
- ۶۵.....گفتار دوم - تفاوت معامله فضولی و تعهد به نفع ثالث
- ۶۷.....مبحث پنجم - معامله فضولی و معامله به قصد فرار از دین
- ۶۷.....گفتار اول - مفهوم معامله به قصد فرار از دین
- ۶۹.....گفتار دوم - ماهیت معامله به قصد فرار از دین
- ۷۲.....گفتار سوم - تفاوت معامله فضولی و معامله به قصد فرار از دین
- ۷۴.....مبحث ششم - معامله فضولی و معامله معارض
- ۷۴.....گفتار اول - مفهوم و ماهیت معامله معارض
- ۷۴.....مفهوم معامله معارض
- ۷۵.....ماهیت معامله معارض
- ۷۶.....گفتار دوم - تفاوت معامله فضولی با معامله معارض

بخش دوم - صور معامله فضولی، اجازه و رد آن و آثار حقوقی مترتب بر آنها

- فصل اول: صور معامله فضولی مال غیر و آثار حقوقی مترتب بر آنها ۸۲
- طرح بحث ۸۲
- مبحث اول - صور معامله فضولی مال غیر ۸۴
- گفتار اول - معامله توسط فروشنده فضولی به جای مالک یا برای غیر (ثالث) ۸۴
- الف - معامله به جای مالک ۸۴
- ب - معامله برای غیر ۸۵
- گفتار دوم - معامله مال غیر توسط فروشنده فضولی به نام و برای خود ۸۵
- الف - معامله به نام و برای خود ۸۵
- ب - وضعیت معامله سارق، غاصب و خائن ۸۷
- ج - وضعیت معامله راهن نسبت به عین مرهونه ۹۱
- مبحث دوم - آثار حقوقی مترتب بر صور معامله فضولی مال غیر ۹۳
- گفتار اول - وضعیت حقوقی معامله فضولی از حیث بطلان یا عدم نفوذ ۹۳
- بند اول - مفهوم بطلان و عدم نفوذ ۹۳
- الف - بطلان ۹۳
- ۱ - تفاوت بطلان با سایر اصطلاحات حقوقی مشابه ۹۵
- ۲ - اقسام بطلان ۹۷
- ۳ - اثر بطلان عقد ۹۸
- ب - عدم نفوذ ۱۰۳
- بند دوم - ملاک و ضابطه تشخیص عدم نفوذ از بطلان ۱۰۶
- الف - ضابطه و معیار تشخیص ۱۰۶
- ب - مصادیق عدم نفوذ اعمال حقوقی ۱۱۰
- ۱ - معامله در اثر اکراه ۱۱۰
- ۲ - معامله در اثر اشتباه ۱۱۱
- ۳ - عقد فضولی که بدون سمت نمایندگی درباره مال یا کار دیگری منعقد شود ۱۱۳
- ۴ - معاملاتی که جنبه حمایتی دارند ۱۱۳
- ۵ - معاملات تاجر ورشکسته ۱۱۴
- ۶ - معاملات به ضرر حقوق اشخاص ثالث ۱۱۴
- بند سوم - بطلان یا عدم نفوذ معامله فضولی ۱۱۵
- الف - نظریه عدم نفوذ معامله فضولی و دلایل قائلین به آن ۱۱۵

۱۱۷	ب- نظریهٔ بطلان معاملهٔ فضولی و دلایل قائلین به آن
۱۱۹	گفتار دوم - مبنای عدم نفوذ معاملهٔ فضولی
۱۱۹	طرح بحث
۱۲۰	بند اول - نظریهٔ کشف
۱۲۲	اقسام کشف
۱۲۲	الف - کشف حقیقی
۱۲۴	ب - کشف حکمی
۱۲۵	بند دوم - نظریهٔ نقل
۱۲۵	مفهوم و مبنای نظریهٔ نقل
۱۲۷	بند سوم - نظریهٔ نمایندگی
۱۲۷	مبنای نظریهٔ نمایندگی
۱۲۹	ایرادات نظریهٔ نمایندگی
۱۳۱	نتیجهٔ عملی و کاربردی نظریه‌های نقل و کشف
۱۳۳	فصل دوم: ماهیت و شرایط اجازهٔ معاملهٔ فضولی و آثار آن
۱۳۳	طرح بحث
۱۳۵	بحث اول - مفهوم و ماهیت اجازه در معاملهٔ فضولی و وجه تمایز آن با اذن
۱۳۵	گفتار اول - مفهوم اجازه
۱۳۵	گفتار دوم - ماهیت اجازه
۱۳۷	گفتار سوم - تفاوت اجازه با اذن
۱۳۹	بحث دوم - شرایط اجازهٔ صحیح و تبعیض در آن
۱۳۹	طرح بحث
۱۳۹	گفتار اول - شرایط صحت اجازه و نحوهٔ اعلام آن
۱۴۰	الف داشتن آزادی اراده
۱۴۰	ب داشتن اهلیت و صلاحیت اعلام اجازه
۱۴۰	ج - ابراز علنی اجازه
۱۴۳	د - اطلاع اجازه دهنده از وضعیت حقوقی (غیرنافذ بودن) عقد
۱۴۳	هـ - مسبوق به رد نبودن اجازه
۱۴۴	و - اجازه به عنوان مالک و به قصد تنفیذ معاملهٔ فضولی باشد
۱۴۸	گفتار دوم - تبعیض اجازه و محل آن
۱۴۸	مفهوم تبعیض اجازه

- ۱۵۱ میحث سوم - آثار معامله فضولی نسبت به مالک، فضول و اصیل، قبل از اجازه
- ۱۵۱ گفتار اول - عدم التزام مالک و فضول به مفاد معامله فضولی
- ۱۵۴ گفتار دوم - تأثیر عدم اهلیت (فوت و حجر) اصیل بر معامله فضولی
- ۱۵۵ گفتار سوم - تأثیر تضمین اخذ اجازه مالک از ناحیه فضول
- ۱۵۶ میحث چهارم - نقش مالک در معامله فضولی و اثر رضای او به معامله مزبور
- ۱۵۶ طرح بحث
- ۱۵۶ گفتار اول جایگاه مالک در معامله فضولی و اثر اجازه معامله توسط او
- ۱۵۶ الف - رضای مالک به عنوان شرط کمال عقد
- ۱۵۷ ب - کاشف از رضای تقدیری بودن اجازه مالک هنگام معامله
- ۱۵۸ ج - شرط نفوذ عقد بودن اجازه مالک
- ۱۵۸ د - تبدیل عقد به رابطه مالک و اصیل با اجازه او
- ۱۵۹ ه - اجازه مالک به منزله اعطای نمایندگی به فضول
- ۱۶۱ گفتار دوم - تأثیر اجازه وارث مالک
- ۱۶۳ گفتار سوم - تعدد معاملات نسبت به مال غیر و تأثیر اجازه مالک
- ۱۶۳ اثر اجازه در تعدد معاملات نسبت به مال غیر
- ۱۶۵ گفتار چهارم - تأثیر و نتیجه عملی اجازه معامله فضولی توسط مالک
- ۱۶۷ میحث پنجم: وضعیت حالات حقوقی متصوره اجازه دهنده
- ۱۶۷ الف - مالک بالفعل بودن اجازه دهنده در زمان انجام معامله فضولی
- ۱۶۷ ب - مالک بالقوه بودن اجازه دهنده در زمان وقوع معامله فضولی
- ۱۶۷ ج - عدم مالکیت اجازه دهنده در زمان عقد فضولی و داشتن حق عینی نسبت به مال مورد معامله
- ۱۶۸ د - عدم مالکیت اجازه دهنده در زمان عقد و ایجاد حق برای او پس از وقوع معامله فضولی
- ۱۶۸ ه - فقدان هیچ گونه حقی برای اجازه دهنده
- ۱۶۹ فصل سوم: رد معامله فضولی توسط مالک و آثار آن در رابطه با خود او، فضول و اصیل
- ۱۶۹ طرح بحث
- ۱۷۱ میحث اول - مفهوم رد و نحوه اعلام صحیح آن
- ۱۷۱ گفتار اول - مفهوم رد
- ۱۷۱ گفتار دوم - نحوه اعلام صحیح رد
- ۱۷۳ گفتار سوم - عدم لزوم فوریت رد معامله فضولی
- ۱۷۵ میحث دوم - آثار رد معامله فضولی
- ۱۷۵ گفتار اول - بطلان معامله فضولی

پیشگفتار

موضوع «ضمان ذرک» در قانون مدنی و لزوم استرداد ثمن معامله، در صورت «مستحق»^۱ للغير در آمدن مبیع^۱ و نیز جبران خسارات وارده به مشتری (خریدار) جاهل به تعلق مال مورد معامله به غیر، توسط بایع فضولی (فروشنده)^۲ از مباحث کاربردی، مبتلا به اختلافی بین فقها، حقوقدانان و قضات دادگاه‌ها می‌باشد. اختلافی از آن جهت که، در خصوص مفهوم و مصداق خسارات (غرامات)، رویه واحدی وجود ندارد. شاهد مثال این مدعا، ابراز عقاید و نظرات مختلف و صدور آرای متهافت زیادی با استنباط‌ها و برداشت‌های متفاوت از این دیدگاه‌ها از ناحیه دادگاه‌ها و حتی شعب دیوان عالی کشور می‌باشد.

موضوع بحث و سوال این است، با توجه به این که در اغلب موارد، ثمن معامله، وجه نقد می‌باشد و پس از مدت زمانی که تعلق مال مورد معامله به غیر و اقدام فروشنده به انجام معامله فضولی، محرز و آشکار می‌شود، او شرعاً و قانوناً باید از عهده «ضمان ذرک» و جبران خسارات مشتری در اثر استرداد مال مورد معامله به مالک اصلی آن برآید. حال، مینا و ملاک در جبران این خسارات، قیمت کدام زمان است. حین معامله یا یوم الاداء (قیمت روز مال مورد معامله)؟ آیا فروشنده فضولی، علاوه بر رد ثمن دریافتی به هنگام انعقاد عقد بیع، باید جبران کاهش

۱- به موجب ماده ۲۶۲ قانون مدنی: «در مورد ماده قبل، مشتری حق دارد که برای استرداد ثمن عیناً یا مثلاً با قیمتاً به بایع فضولی رجوع کند».

همچنین براساس ماده ۳۹۰ قانون مدنی: «اگر بعد از قبض ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق للغير درآید بایع، ضامن است اگر چه تصریح به ضمان نشده باشد».

۲- مطابق ماده ۲۶۳ قانون مدنی: «هر گاه مالک، معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن، فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت».

همچنین به موجب ماده ۳۹۱ این قانون: «در صورت مستحق للغير بر آمدن کل یا بعض از مبیع بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری بوجود نساد بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید».

ارزش پول و یا افزایش بهای مال مورد معامله را هم بنمایند؟ منظور از خسارات وارده بر مشتری که به عهده فروشنده فصولی می باشد چیست و مصادق آن کدام است؟ آیا منافی که خریدار (مشتری) در مدت تصرف خود در مال مورد معامله فصولی از آن‌ها بهره مند شده است (مانند سکونت در منزل یا استفاده از ثمره و حاصل باغ و حیوان) و نیز منافی که از او تفویض شده است (منافع غیر مستوفات) جزء این خسارات محسوب می شود یا خیر؟ و نهایت این که آیا خسارت تأخیر تأدیه به ثمن معامله فصولی در این فرض، تعلق می گیرد یا نه؟

به عنوان مثال: فردی ۱۰ سال قبل، قطعه زمینی را به ارزش یکصد میلیون ریال از شخصی خریداری نموده است و اکنون پس از گذشت این مدت که همراه با صرف هزینه‌ها و تحمل مخارج و انجام عملیاتی (اعم از زراعی یا ایجاد بنا و مستحدثات) بر روی آن زمین بوده، به علت کاهش ارزش پول و قدرت خرید آن ناشی از تورّم و بی ثباتی بازار، باعث افزایش ده برابری ارزش زمین مزبور شده است، که با آشکار شدن و محرز تعلق آن ملک به غیر (احراز فصولی بودن معامله و مستحقّ للغیر در آمدن مبیع) به دلایل اثباتی قانونی منتهی به صدور حکم به «عدم نفوذ و اعلام بطلان آن معامله» و «استرداد عین ملک به مالک اصلی» از ناحیه دادگاه گردیده است که با این وصف، خریدار (مشتری) که متضرر واقعی است، هم، ملک مورد معامله را از دست داده و هم، پولی که بابت خرید آن به فروشنده (بایع فصولی) پرداخت کرده است.

در این وضعیت، جبران خسارت او به چه نحوی باید به عمل آید؟ فروشنده فصولی تا چه میزان و به چه نحوی مسؤول جبران این خسارت بوده و باید از عهده «ضمان درک مبیع» بر آید؟ وضعیت و تکلیف خسارت تأخیر تأدیه در این موضوع - با توجه به نظرهای مبهم و مجمل و متفاوت شورای نگهبان و تردیدهایی که درباره مشروعیت یا خلاف شرع بودن این خسارت وجود دارد، چگونه خواهد بود و آیا ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، در این خصوص قابل اعمال و اجراء می باشد یا خیر؟

اگر معتقد به استرداد «فقط ثمن پرداختی» او به فروشنده فصولی در زمان انجام معامله (ده سال پیش) به وی باشیم، در این صورت، به مشتری - که جاهل به تعلق مال مورد معامله به غیر بوده است - ظلم روا داشته و عدالت را نیز در مورد فروشنده مال غیر به مورد اجراء نگذاشته ایم. و چنان چه، اعتقاد به پرداخت قیمت روز ملک - با توجه به افزایش ده برابری ارزش آن - توسط فروشنده فصولی در حق خریدار جاهل باشیم، در این صورت نیز در حق بایع فصولی

بی‌انصافی روا داشته‌ایم. و در صورتی که حکم بر تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ثمن پرداختی در این مدت صادر کنیم با ایراد «خلاف شرع بودن آن و غیرقانونی تلقی شدن حکم صادره» مواجه خواهیم شد. پس، حکم منطقی، عادلانه و منصفانه که منطبق با مقررات قانونی بوده و مغایرتی هم با موازین شرعی نداشته و تأمین‌کننده حقوق خریدار باشد و از سوی دیگر، اجحافی در حق فروشنده روا نگردد چیست؟

مسئله دیگر این که، در خصوص «خسارت تأخیر تأدیه و جواز یا ممنوعیت مطالبه آن»، با توجه به این که با وقوع انقلاب اسلامی و لزوم انطباق قوانین و مقررات با موازین شرعی بر اساس قانون اساسی (اصل چهارم)، ثروت‌هایی که از ربا ناشی می‌شوند، حرام اعلام و دولت ملزم به اخذ و تحویل آن‌ها به صاحبانشان و در صورت معلوم نبودن صاحبانشان، مصادره آن‌ها به نفع بیت المال شده است (اصل چهل و نهم) و در ماده ۲۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ نیز بانک‌ها از انجام عملیات بانکی ربوی و اخذ بهره از وام‌های اعطائی به وام‌گیرندگان، ممنوع شده‌اند. علی‌رغم این ممنوعیت‌ها و سخت‌گیری قانونگذار برای جلوگیری از رباخواری، هنوز هم در جامعه و نیز ضمن قراردادهای اعطای وام به افراد توسط بانک‌ها به عناوین مختلف با بازی کردن با کلمات و به کار بردن عباراتی همچون «کارمزد، تأخیر تأدیه، تورم و مابه‌التفاوت کاهش ارزش پول»، از بداهت‌کاران بهره گرفته می‌شود. بحث‌های مختلفی در مجامع حقوقی و قضائی درباره این موضوع و ماهیت آن وجود داشته و هنوز هم تداوم دارد و به لحاظ تشابهاتی که خسارت تأخیر تأدیه با ربا دارد - خصوصاً با وارد شدن واژه «خسارت تأخیر تأدیه» در قوانین مصوب پس از انقلاب اسلامی و تأیید آن‌ها از ناحیه شورای نگهبان - این سؤال مطرح گردیده که چه فرقی بین این دو وجود دارد که شورای نگهبان از نظرات قبلی خود عدول کرده و مطالبه خسارت تأخیر تأدیه را مغایر موازین شرعی ندانسته و اخذ آن را مجاز اعلام نموده است؟ آیا بهره پول که نوعی «خسارت ناشی از عدم

۱- رباخواران با خرید و فروش اسکناس به مبلغی بیشتر از ارزش آن، در قالب عقد بیع (به جای قرض و ربه دادن که در آن، شرط کردن پرداخت هرگونه نفع و اضافه توسط قرض‌گیرنده، حرام و ممنوع است)، که به مکمل است و نه مؤزون، مدعی حلال بودن بیع خود شده و می‌گویند که خداوند، در کتاب آسمانی فرموده است: «أحل الله البيع وحرم الربا» چون در بیع، شرط تحقق ربا، همجنس بودن دو عوض و مکمل یا مؤزون بودن ثمن یا مبیع است.

ایفای تعهد (پرداخت دین) بدهکار است، همان ربا نمی باشد؟ و آیا، خسارت تأخیر تأدیه در واقع، همان بهره پول (ربا) است یا این که نوع دیگری از خسارت می باشد که مطالبه آن مشروع و قانونی است؟

در این راستا نیز، عده ای با توجیه مشروعیت و قانونی بودن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، در ارائه دلیل برای آن چنین اعلام نموده اند که: « خسارتی که در اثر تأخیر مدیون در ادای دین خود به طلبکار وارد می شود، نتیجه عهدشکنی و تقصیر قراردادی (ضمان قهری) او است نه عقد قرض؛ و به دشواری می توان ادعا کرد که از سنخ تعهدهای قراردادی یا بدل آن است. به بیان دیگر، خسارت تأخیر تأدیه به این معنی، سبب ویژه و مشروع خود را دارد و بدل زائد بر اصل نیست تا خوردن مال دیگری به باطل باشد. به همین جهت نیز اگر بدهکار تقصیر دیگری علاوه بر تأخیر پرداخت، مرتکب شود (مانند این که طلبکار را به وعده‌های فریبنده مغرور کند)، هیچ کس در ضمان ناهشی از آن تردید نمی کند. بی گمان، محروم ساختن طلبکار از تصرف در پول خود، او را از منافع مسلم، بی بهره می کند و چه بسا سبب تلف اموال او نیز بشود. پس، فرض قانونگذار در لزوم جبران خسارت طلبکار با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی سازگار است و نباید موجب شگفتی شود. حداقل این است که او با سرمایه گذاری در بانک می توانست از حاصل جریان آن منتفع گردد و اگر باری به آن داشته باشد، می بایست با پرداختن هزینه‌های کارمزد و سود سهم بانک مبلغی از دست بدهد».

در این نوشتار، سعی بر این بوده تا با اتکاء به آموخته‌ها و اندوخته‌های علمی و تجربی خود در طول نزدیک به دو دهه فعالیت قضائی و مواجه شدن با پرونده‌های مرتبط با موضوع بحث و آگاهی از عقاید و نظرات و اختلاف رویه‌ها و استنباط‌های متفاوت از نظرات فقهی و مواد قانونی، با رویکردی عملی و کاربردی به این مباحث پرداخته و ضمن تبیین مفاهیم و ماهیت اصطلاحاتی همچون: « معامله فضولی، بطلان وعدم نفوذ، مستحق للغير در آمدن مبیع، ضمان درک فروشنده، حق رجوع مالک و مشتری به فروشنده فضولی و مسؤولیت او در قبال آن‌ها، خسارات و غرامات ناشی از بیع فاسد، کاهش ارزش پول و تنزل قدرت خرید آن، تورم و نقدینگی و عوامل مؤثر در بروز آن‌ها و نیز تأثیر آن‌ها در تعهدات مالی، خسارت تأخیر تأدیه و ادله مشروعیت و مصادیق قانونی

۱- کاتوزیان، دکتر ناصر، دوره عقود معین - حقوق مدنی - معاملات معوض، عقود تملیکی، شرکت سهامی

آن و... به بررسی و واکاوی مواد ۲۴۷، ۲۶۳، ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی و نقد و تحلیل نظرهای فقهی و اندیشه‌های حقوقی و رویه‌های قضائی مختلف - و درعین حال متضاد - موجود در دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در خصوص این مواد، با ارائه نمونه‌های عملی و نهایتاً ارائه راهکار و نظری مناسب خواهیم پرداخت تا بلکه باعث ایجاد انگیزه در مقنن برای اصلاح این مواد قانونی با توجه به واقعیات عینی جامعه شده و یادآوری و تذکری مفید (إِنَّ الذِّكْرَىٰ مَفِيدٌ) باشد به هیأت عمومی دیوان عالی کشور در جهت صدور رأی وحدت رویه به منظور ایجاد رویه ای واحد در سراسر کشور و رفع اختلافات موجود. به امید آن که توانسته باشیم توفیقی هر چند اندک در این زمینه به دست آوریم. انشاءالله

و ما توفیقی الا بعون الله تعالی

مصطفی اصغرزاده بناب

بهار ۱۳۹۲